

( 106 )

هو الله

ای خسته تیر جفا در سبیل الهی جمال قدیم در پنجه ستم هر لئیم و زنیم گرفتار گشت تو که عبد منیب هستی باید در بلایا شریک و سهمیم باشی لهذا قطرهئی از آن صهباء در کام تو ریخت تا نشئه مدام یابی و ناکام نگردی زنده شوی و آزاده سرمست گردی و تر و تازه پس گوارا باد آن طعام لذیذ و جدی حنیز یعنی تازیانه‌های تر و تازه و نوشت باد آن جام عزیز یعنی صدمات بی‌اندازه قسم بروی و خوی او که اگر بدانی که چه چوب فرخنده و مبارکی بود آن تازیانه هر آینه هر روز آرزو مینمودی و چنان اشتهای صافی پیدا مینمودی که رب زدنی میگفتی و ابیت عند ربی و هو یطعمنی و یسقین بر زبان میراندی و البهء علیک و علی کل من ابتلی فی سبیل الله و اضطهد فی محبة الله (ع ۶)